

فرقان و پیروی از منافقین

بررسی عملکرد گروه فرقان

سیدمحسن موسوی زاده

برخی معتقد هستند که منافقین در ابتدای انقلاب در تلاش بود تا حداقل ظاهر خود را حفظ کند. از این رو برای پیش برد اهداف شوم خود گروهك فرقان را مستمسك قرار داد. در این باره عزت شاهی در کتاب خاطراتش می‌گوید: برای من مشاهده صحنه‌هایی از راه پیمایی روز عاشورای ۵۷ که اکبر گودرزی پرچم مجاهدین را بر دوش می‌کشید، ذهنیت جدی در نفوذ مجاهدین بر آن‌ها پدید آورد.

گروهك فرقان یکی از جنجال برانگیزترین گروه‌ها در تاریخ انقلاب اسلامی است چرا که در همان ابتدای انقلاب با ترور شخصیت‌های مهم و اثر گذار در تلاش بود تا ضربه‌ی مهلکی بر پیکره‌ی انقلاب نوپای اسلامی وارد کند. اما به راستی این گروه چگونه شکل گرفت و تحت تأثیر چه عقایدی تا بدانجا رفت که شهید مطهری را که عمری در راه اسلام قلم زده بود به شهادت برساند. در واقع برای پاسخ به این سؤال باید به ریشه‌های شکل‌گیری و تحول گروهك تروریستی فرقان رجوع کنیم تا بدین وسیله به دلایل اعمال آن‌ها مشخص شود.

جریان چپ اسلامی

ظهور جریاناتی که تحت تأثیر مارکسیسم و مفاهیم چپ به التقاط روی آورده بودند یکی از مشخصه‌های سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی بود. گروه فرقان نیز یکی از همین گروه‌ها بود که هر چند اعضایش به ظاهر از افراد مذهبی تشکیل شده بود اما آن‌ها به شدت تحت تأثیر تفاسیر مارکسیستی از اسلام قرار گرفته بودند.

گروه فرقان افراطی‌ترین گروه چپ گرای مسلمان بود که نخستین ترورهای سیاسی را در جمهوری اسلامی سازمان داد. رهبران جوان این سازمان که خود را وارث اندیشه‌های دکتر شریعتی می‌دانستند، به شدت با روحانیان و طرفداران آن‌ها مخالف بودند و هیچ يك از گروه‌ها و حزب‌های موجود را به رسمیت نمی‌شناختند. این گروه هواداران و اعضای اندکی داشت اما با ترور شخصیت‌های برجسته‌ای مثل سپهبد ولی الله قرنی، آیت الله مرتضی مطهری، هاشمی رفسنجانی، حاج مهدی عراقی و دکتر مفتاح درابتدای انقلاب، نگاه را به سمت گفتمان چپ اسلامی متوجه کرد. (۱)

دکتر حداد عادل درباره‌ی گرایش به التقاط در سال‌های نزدیک انقلاب می‌گوید: "جریان‌ها تو در تویی در میان دانشجویان و حتی روحانیون وجود داشت که تفسیرهای من درآوردی عجیبی از قرآن و نهج البلاغه می‌کردند و اسلام را تحت تأثیر جامعه‌شناسی و مارکسیسم و علوم تجربی معرفی می‌کردند. به عنوان نمونه آقای موسوی خوئینی‌ها در مسجد جویستان برای خودش جریانی شده بود و سخنرانی‌هایی با این گرایش انجام می‌داد." (۲) درهمین رابطه حجت الاسلام والمسلمین جعفر شجونی درباره‌ی آشنایی گروهك فرقان با مفاهیم چپ می‌گوید: "گودرزی، رهبر گروه فرقان آدم درسخوانی نبود و کسانی که او را می‌شناختند می‌گفتند چپ می‌زدند. به همین دلیل مرحوم آیت الله حاج آقا حسن سعید او را از مدرسه بیرون کرد. بعد او به مدرسه شیخ عبدالحسین رفت و باز مرحوم آیت الله خسروشاهی او را بیرون کرد. عد رفت سراغ مدرسه‌ی مرحوم آیت الله مجتهدی که ایشان نیز او را نپذیرفت و در نهایت او رفت مسجد جویستان نزد موسوی خوئینی‌ها و او هم گودرزی را پذیرفت." (۳)

وی درباره تحت تأثیر قرارگرفتن گودرزی و گروه فرقان از موسوی خوئینی‌ها می‌گوید: "به نظر من موسوی خوئینی‌ها تأثیر زیادی بر گروه فرقان داشت. او قبل از انقلاب به این ذهنیت دامن زده بود که هر نوع فعالیت در دستگاه‌های دولتی و شبه دولتی کمک کردن به رژیم است. علناً می‌گفت که مطهری و مفتاح که در دانشگاه تدریس می‌کنند با حکومت سازش کرده‌اند و تبدیل به ترمز انقلاب شده‌اند. در واقع منبرها و مسجد او تبدیل به کانون تبلیغ علیه آقای مطهری شده بود." (۴)

شجونی در ادامه نیز تأکید می‌کند: "یک دوست محترمی به نام قاسمی نقل کرده که یک شب در مسجد جویستان بوده و آقای موسوی خوئینی‌ها منبر رفته بود. اکبر گودرزی، رهبر فرقان نیز پای منبر او نشست و محو صحبت‌ها شده بود. موسوی خوئینی‌ها هم آیه شریفه و یصدون عن سبیل الله را به کنایه و گاهی صریح به مطهری، مفتاح و بهشتی تطبیق می‌داد و می‌گفت این‌ها سازش‌کارند. من که دیدم گودرزی مات و مهبوت این حرف‌ها شده گفتم بابا فردا اگر انقلاب پیروز شود این‌ها اولین اسلحه‌ای که بدست‌شان بیافتند می‌روند و این‌ها را می‌کشند و متأسفانه واقعاً این جوری هم شد." (۵)

در نهایت این‌که تحت تأثیر قرارگرفتن گروهك فرقان از مفاهیم مارکسیستی باعث شده بود تا آن‌ها قرآن و احادیث را بر اساس فلسفه مادی‌گیری تفسیر کرده و بدون توجه به محتوای قرآن آنچه که خود دوست دارند از کلام خدا برداشت کنند. مسأله‌ای که منجر به واکنش هوشیارانه شهید مطهری شد. ایشان در بخش پایانی مقدمه کتاب علل گرایش به مادیگری با اشاره تلویحی به آرای گروهك فرقان چنین می‌نویسد: "عجیب این است که ادعا می‌شود که ما می‌خواهیم فرهنگ اسلامی را فرهنگی انقلاب کنیم. شگفتا! آیا انقلابی بودن و یا به نظر شما انقلابی شدن فرهنگ اسلامی در گرو این است که محتوای معنوی آن را از آن بگیریم و محتوای مادی جایگزین آن سازیم؟! آیا انقلاب منحصر به انقلاب شکم و انقلاب ناشی از محرومیت و موضع طبقاتی است؟! آیا پیغمبر اسلام انقلاب سر و انقلاب روح و قلب برپا نکرد؟! آیا این گونه برداشت از انقلاب، دانسته یا ندانسته، تبلیغ به سود ماتریالیسم نیست که تنها با برداشت‌های ماتریالیستی و توجیه مادی تاریخ و جامعه و بالاخره با ماتریالیسم تاریخی است که می‌توان از یک فرهنگ انقلابی دم زد؟ این بود شمه‌ای از تذکراتی که می‌خواستیم خیرخواهانه و دوستانه به عزیزانی که هنوز فکر می‌کنیم اغفال شده هستند، بدهیم." (۶)

تأثیر مجاهدین خلق (منافقین) بر گروه فرقان

یکی از مسایلی که همواره درباره گروهك فرقان مطرح بوده است تأثیر این گروه از مجاهدین خلق (منافقین) است. در این باره برخی معتقد هستند که منافقین در ابتدای انقلاب در تلاش بود تا حداقل ظاهر خود را حفظ کند. از این رو برای پیش برد اهداف شوم خود گروهك فرقان را مستمسك قرار داد. در این باره عزت شاهی در کتاب خاطراتش می‌گوید: برای من مشاهده صحنه‌هایی از راه پیمایی روز عاشورای ۵۷ که اکبر گودرزی پرچم مجاهدین را بر دوش می‌کشید، ذهنیت جدی در نفوذ مجاهدین بر آن‌ها پدید آورد. (۷) من در بازجویی‌های گودرزی بودم. بر اساس تحلیل او جمهوری اسلامی، حاکمیت ناب اسلام محمدی نیست و از آنجا که مطهری و مفتاح عامل تثبیت حکومت هستند باید از بین بروند. البته از نظر من گودرزی شعور این حرف‌ها و این‌که طرح ترور بریزد را نداشت و از جای دیگری خط می‌گرفت. (۸) موسوی‌اردبیلی معتقد است که سازمان مجاهدین خلق در ترورهای فرقان دست داشته است و در واقع گروه فرقان از نظر ایدئولوژی و استراتژی در جهتی هماهنگ با آن سازمان بوده است و عناصر نفوذی سازمان به خوبی موفق شدند از گروه ساده‌لوح فرقان در جهت اهداف تشکیلاتی خود بهره‌گیرند. در این مورد موسوی اردبیلی می‌گوید: «شواهدی

حکایت از رابطه‌ی سازمانی گروه فرقان با سازمان مجاهدین خلق در دست است که عبارتند از: الف) از نظر ایدئولوژی، گروه فرقان در انتشارات خود و تحلیل‌های قرآنی منتشره‌اش نشان داده است که به طور دقیق در خط این سازمان حرکت می‌کند، همان برداشت‌های مادی از مفاهیم اسلامی را که سال‌ها و بارها از زبان اعضای سازمان شنیده‌ایم، در نوشته‌های گروه فرقان می‌بینیم.

ب) از نظر استراتژی نیز گروه فرقان همان مسیری را طی می‌کند که سازمان مجاهدین ترسیم کرده است. در رابطه با امام خمینی هم به طور دقیق همان برداشت‌های درون سازمان مجاهدین را دارد.» (۹)

فرقان و شریعتی

با وجود این که برخی از صاحب‌نظران معتقد هستند که گروهك تروریستی فرقان به شدت تحت شریعتی بوده است اما برخی دیگر این مسأله را رد می‌کنند و می‌گویند هر چند ممکن است در مباحثی مثل موضع‌گیری بر علیه روحانیت این‌ها تحت تأثیر شریعتی بوده‌اند اما کارهای تروریستی گروه فرقان هرگز درمram شریعتی نمی‌گنجد.

در همین باره رسول جعفریان می‌گوید: "در سال ۱۳۵۶؛ یعنی سال آغاز فعالیت فرقان، با درگذشت دکتر شریعتی، نخستین اعلامیه از سوی این جریان نوپا انتشار یافت. آنچه در این شرایط، سبب برآشفتن فرقانی‌ها شد، اطلاعیه مشترك مطهری - بازرگان بود که چند روز پس از انتشار، بازرگان بر اثر اصرار دوستان یا تهدید مخالفان امضایش را پس گرفت. به دنبال صدور آن اطلاعیه، گودرزی اطلاعیه‌ای صادر کرد و به تهدید مخالفان شریعتی و در واقع شهید مطهری پرداخت. در این اطلاعیه، با اشاره به ائتلاف ارتجاع و روشنفکران مدرن؛ یعنی مطهری و بازرگان، آمده است که «حاصل زشت این ائتلاف ناجوانمردانه، آن هم در شام غریبان شهیدان و در اجرای اهداف شوم نفاق‌پیشگان تاریخ» بوده، به‌گونه‌ای که «اعلامیه‌ای به تاریخ ۵۶. ۹. ۲۳ و با امضای چهره‌هایی همچون مطهری و بازرگان درآمد که بازتاب مقاصد پوشیده جبهه مؤتلفه بود و از تبادل‌نظر میان آن‌ها که طبعاً چیزی جز مسخ هدف شهیدان و فرهنگ انقلابی آن‌ها را در بر نمی‌گیرد، حکایت می‌کرد." در سالگرد سفر دکتر شریعتی به خارج از کشور و مرگ وی، باز فرقان اطلاعیه‌ای داد و ضمن آن سخت به صادر کنندگان آن بیانیه حمله کرد. (۱۰)

جعفریان گروهك فرقان را برآمده از نظریه تشیع علوی و صفوی می‌داند و عنوان می‌کند: "فرقان که روحانیت را از بنیان و اساس باطل می‌دانست بعد از پیروزی انقلاب تلاش خود را معطوف به مبارزه با آن‌ها کرد. نخستین عاملی که فرقان را به رویارویی مسلحانه با جمهوری اسلامی کشاند بهانه کردن قربانی شدن ارزش‌های راستین تشیع سرخ علوی بود. همچنین تلاش برای آزاد ساختن اسلام علی(ع) از اسارت آخوندیسم. (۱۱)

با این حال اسدالله بادامچیان در پاسخ به این سؤال که آیا گروه فرقان تحت تأثیر شریعتی روحانیت ستیز شده است، می‌گوید: "نه چون من شریعتی را در برخوردها و نوشته‌هایش روحانیت ستیز ندیدم. نظرات انتقادی نسبت به روحانیت داشت و مسائل مربوط به آن دچار تردیدها و سوالاتی است که با دید متعارف و فقهاتی متفاوت است. در عین حال روشنفکری است که به مذهب علاقه دارد بنابراین اگر کسی بپرسد گودرزی دست پرورده شریعتی است می‌گویم نه. (۱۲)

نتیجه گیری:

با مروری بر کارنامه شکل‌گیری و تکامل فکری گروهك فرقان می‌توان به خوبی پی برد که یکی از مهمترین دلایل انحراف این گروه التقاط است. گروه فرقان تحت تأثیر تفاسیر چپ‌گرایی از اسلام و برداشت‌های شخصی از آیات و

احادیث تا بدانجا پیش رفت که یکی از بزرگ‌ترین نظریه پردازان اسلامی یعنی استاد مطهری را تحت عنوان حمایت از اسلام به شهادت رساند. اما چیزی که باعث شد تا این گروه با وجود تعلقات مذهبی رو به التقاط بیاورند، تفسیرهای التقاط گونه توسط برخی از روحانیون اشاره شده در مقاله بود. چرا که این افراد وقتی می‌دیدند يك فرد مذهبی در حال ارائه تفسیرهای چپ از اسلام است و با توجه به معلولات اندك از اسلام فکر کردند که این‌ها عین واقعیت است از این رو از این تفکرات استقبال کردند و سرانجام احساس کردند باید به عنوان يك فرد مسلمان تمام تلاش خود را انجام دهند تا این تفکر پیروز شده و از تسلط اسلام سازش کار جلوگیری کنند.

اما درباره ارتباط فرقان با منافقین هرچند در این باره اظهار نظرهای مختلفی می‌شود اما می‌توان گفت منافقین یکی از آبشخورهای تفکری این گروه بوده‌اند و حداقل ترورهای صورت گرفته توسط آن‌ها در راستای منافع منافقین بوده است. پیرامون تأثیرپذیری آن‌ها از شریعتی به نظر می‌رسد هرچند این گروه ارادت ویژه‌ای به او داشته‌اند و در برخی از عقاید مثل انتقاد شدید از روحانیت تحت تأثیر او بوده‌اند اما در نهایت از آنجا که خود را صاحب نظر می‌دانسته‌اند خود را محدود به شریعتی نکرده‌اند و با گسترش نظریه پردازی براساس التقاط و برداشت شخصی از اسلام به خود اجازه دادند که انقلابی‌ترین افراد در جمهوری اسلامی به شهادت برسانند.

منابع

- ۱- سیدمحمدعلی حسینی زاده (۱۳۸۶) اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید صفحه ۲۷۸
- ۲- بی نام (پاییز و زمستان ۸۸ و بهار ۸۹) زمینه های پیدایش فرقان و فرقان گونه گان در گفتگو با دکتر حداد عادل، یادآور(نشریه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)، تهران، شماره ۶، ۷ و ۸، صفحه ۲۸
- ۳- بی نام (پاییز و زمستان ۸۸ و بهار ۸۹) نیم نگاهی به هویت آموزگاران درسایه فرقان، یادآور(نشریه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)، تهران، شماره ۶، ۷ و ۸، صفحه ۹۳-۹۲
- ۴- همان صفحه ۹۳
- ۵- همان-۹۴-۹۳
- ۶ www.mortezamotahari.com/fa/ArticleView
- ۷- محسن کاظمی (بی تا) نسخه‌ی الکترونیک خاطرات عزت شاهی، www.ketabnews.com/detail-12007
- ۸- همان صفحه ۵۰۰
- ۹- عبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۶۴) غائله ۱۴ اسفند ۵۹ ظهور و سقوط ضد انقلاب، تهران، انتشارات نجات، صفحه ۶۸ به نقل از www.pajoohe.com/fa/index.php
- ۱۰- رسول جعفریان rasekhoon.net/Article/Show-21037.aspx
- ۱۱- بی نام (پاییز و زمستان ۸۸ و بهار ۸۹) فرقان برکشیده نظریه تشیع علوی و صفوی، یادآور(نشریه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)، تهران، شماره ۶، ۷ و ۸، صفحه ۸۷
- ۱۲- بی نام (پاییز و زمستان ۸۸ و بهار ۸۹) بازنگاهی به نسبت فرقان ومجاهدین خلق، یادآور(نشریه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)، تهران، شماره ۶، ۷ و ۸، صفحه ۱۳۱